

## گزارش مأموریت محرمانه سفیر ناصرالدین شاه قاجار در پاریس در مورد نخستین سفر فرنگ (سال ۱۲۸۳ ه.ق)

مهرداد فردیار<sup>۱</sup>

### چکیده

بررسی‌ها و تحلیل‌های تاریخی مبتنی بر مستندات، نقش مهمی در روشن کردن اسرار و حقایق تاریخی دارند. در این میان، مکتوبات و اسنادی که نمایندگان سیاسی کشورها به دولت خود ارائه می‌کنند، از بهترین گواهان جریان‌ها و اتفاقات سیاسی است. این سند، بازگو کننده مأموریت محرمانه و مستقیم ناصرالدین شاه قاجار به حسنعلی خان گروسی، سفیر ایران، مبنی بر گفتگو با ناپلئون سوم، امپراتور فرانسه، در خصوص تصمیم سفر شاه به فرنگ و چگونگی انجام آن است که علاوه بر اهمیت تاریخی موضوع سند و عدم انتشار آن، طرفین گفتگو نیز حایز اهمیت هستند. از طرفی ناپلئون سوم دارای تجربه نظام‌های جمهوری (۱۸۵۲-۱۸۴۹ م.) و امپراطوری (۱۸۷۰-۱۸۵۲ م.) است و در مقابل سفیر ایران نویسنده‌ای دقیق، صاحب سبک و دیپلماتی با تجربه است.

در این مقاله پس از اشاره اجمالی به پیشینه روابط دو کشور ایران و فرانسه، به بیان چگونگی شکل‌گیری روابط آنها و عوامل تأثیر گذار بر آن در دوره قاجار، مفهوم فرنگ، چگونگی شکل‌گیری ایده سفر و بازخوانی متن گزارش می‌پردازم.

**واژگان کلیدی:** ناصرالدین شاه قاجار، فرنگ، سفر فرنگ، روابط ایران و فرانسه.

۱. پست الکترونیک: m.fardyar@modares.ac.ir

از دوست ارجمندم، آقای مهندس علی یوسفلوئی - که در بازخوانی متن سند یاری‌ام کردند - تشکر می‌نمایم.

## مقدمه

۱. پیشینه روابط ایران و فرانسه و چگونگی شکل‌گیری روابط دو کشور در دوره قاجار بر اساس مستندات موجود، آغاز روابط ایران و فرانسه به سال ۱۲۹۱ م. (۶۹۰ ق.م) و با اعزام سفیری از جانب ارغون به دربار فیلیپ نوبل، پادشاه فرانسه، بازمی‌گردد.<sup>۱</sup> هر چند این روابط استمرار نداشت. در دوران صفویه، فرانسویان آخرین ملتی از اروپا هستند که برای تجارت با مشرق زمین و ایران، گام برداشتند.<sup>۲</sup> گفتنی است از قرن هجدهم به بعد، رابطه ایران با سایر کشورها به یکی از موضوعات مهم و اصلی در تاریخ ایران تبدیل می‌شود<sup>۳</sup> و ظهور ناپلئون بناپارت در صحنه سیاسی اروپا، دریچه‌های تازه‌ای را در روابط دو کشور ایران و فرانسه می‌گشاید<sup>۴</sup> و در سال ۱۲۱۰ ق. هیئتی را به نمایندگی اولویه<sup>۵</sup> به ایران اعزام می‌کند، این هیئت، بدون اینکه موفق به ملاقات با آغامحمد خان شود، چندین بار با صدر اعظم، حاج ابراهیم خان کلانتر، دیدار می‌کند که هدف‌های این مأموریت به شرح ذیل است:<sup>۶</sup>

- جلب حمایت ایران برای اعزام سفیری به عثمانی؛
- اتحاد دو کشور ایران و عثمانی ضد روسیه به منظور منحرف کردن توجه آن کشور از اروپا؛
- همراهی ایران با سیاست‌های فرانسه به منظور فتح هند با ایجاد پایگاهی قوی در عثمانی.



نقشه جهان

۱. یاقمورلی، اسناد معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول، ج ۱۰، ص ۱۷.
۲. نوایی، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، ص ۲۵۷.
۳. بیانی، تاریخ دیپلماسی ایران سیاست ناپلئون در ایران در زمان فتحعلیشاه، از اسناد بایگانی شده وزارت امور خارجه فرانسه، ص ۱.
۴. علی بابایی، نگاهی به روابط سیاسی ایران و فرانسه.
۵. Olivier - 5
۶. یاقمورلی، اسناد معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول، ج ۱۰، ص ۱۷.

با کشته شدن آغامحمدخان قاجار و افزایش قدرت روزافزون روسیه و ناتوانی ایران در جنگ‌هایش با آن کشور، اولین زنگ خطر جدی برای ادامه سلطنت شاهان قاجار به صدا درآمد و به دلیل عدم پایداری انگلستان به تعهدات خود در جنگ ایران و روسیه، فتحعلیشاه قاجار، کشور فرانسه و ناپلئون را بهترین یار و یاور خود تصور کرد.<sup>۱</sup> به همین منظور در سال ۱۲۱۹ ق. (۱۸۰۴ م.) نامه‌ای مبنی بر علاقه خود به عقد اتحاد با فرانسه به ناپلئون نوشت.

«ناپلئون بناپارت خوب می‌دانست که تقدیر اروپا در متصرفات عثمانی در دریای مدیترانه شرقی، کلید جاده‌های هند است. او متوجه این نکته شد که وجود یا عدم وجود امپراطوری عثمانی تا چه اندازه در این سیاست دخالت دارد»<sup>۲</sup> و به دنبال وارد کردن ضربه بر انگلستان، از طریق فشار بر مستعمراتش بود؛ از این رو روابط ایران و فرانسه تحت‌الشعاع روابط فرانسه با کشورهای روسیه و انگلستان و عثمانی قرار گرفت و نتیجه گفت‌وگوهای دو طرف منجر به معاهده‌ای شد که در سال ۱۲۲۲ ق. (۱۸۰۷ م.) در اردوگاه فین کشتاین<sup>۳</sup> به امضا رسید که از موضوعات مهم آن، واگذاری مجدد گرجستان به ایران بود تا از این طریق راه ارتباط عثمانی و روسیه از بین رود.<sup>۴</sup> ایران برای فرانسه از دو جهت حایز اهمیت بود: از یک سو دشمن روسیه بود و از طرف دیگر وسیله و راهی برای لشکرکشی به هند به شمار می‌آمد. «در ایران نیز افکار عمومی با لشکرکشی ناپلئون به هند نظر مساعد داشت، به طوری که حتی افغان‌ها و قبایل دشمن ایران هم، از این خیال شاد بودند و ایامی را به خاطر می‌آوردند که نادر شاه به هند حمله کرده، غنایم بسیاری نصیب سربازان شده بود.»<sup>۵</sup> اما در پی انعقاد پیمان فین کشتاین که ظاهراً بزرگ‌ترین موفقیت سیاسی ایران در گیر و دار رقابت‌های دولت‌های بزرگ محسوب می‌شد، گاردان در رأس یک هیئت نظامی جهت تعلیم ارتش وارد تهران شد و اقداماتی در خصوص تأسیس کارخانه توپ‌ریزی و خرید تفنگ انجام گرفت.<sup>۶</sup> اما این تلاش‌ها بر اثر فرصت طلبی دولت فرانسه و کارشکنی‌های دولت انگلستان بی نتیجه ماند و فرانسه صرفاً چند ماه پس از انعقاد قرارداد با ایران، عهدنامه تیلسیت<sup>۷</sup> را با روسیه منعقد کرد و برخی از تعهداتش با ایران را به فراموشی سپرد، که سرانجام منجر به قطع کامل روابط دو کشور شد. اما در سال ۱۲۵۳ ق.

۱. صبوری، سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ (علل و پیامدها).

<http://www.irdc.ir/fa/content/6769/print.aspx>

۲. بیانی، تاریخ دیپلماسی ایران سیاست ناپلئون در ایران در زمان فتحعلیشاه، از اسناد بایگانی شده وزارت امور خارجه فرانسه، ص ۱۴.

3 - Treaty of Finckenstein

۴. بیانی، تاریخ دیپلماسی ایران سیاست ناپلئون در ایران در زمان فتحعلیشاه، از اسناد بایگانی شده وزارت امور خارجه فرانسه، ص ۵۴.

۵. تیموری، عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران.

۶. جعفریان، معاهده پاریس، جدایی کامل افغانستان از ایران.

<http://www.irdc.ir/fa/content/6620/default.aspx>

7 - Tilsit

با محاصره هرات توسط محمد شاه قاجار و استقرار کشتی‌های جنگی انگلستان در سواحل خلیج فارس و تشدید اختلافات دو کشور، محمدشاه به دنبال راهی برای خروج از این بن بست بود.<sup>۱</sup>

تحریک و توطئه مداوم عاملان انگلستان در شرق و جنوب ایران و نفوذ روزافزون روس‌ها در مناطق شمال - که محمد شاه قاجار سلطنت خود را مدیون مداخله و اعمال نفوذ آنان می‌دانست - رجال مصلحت‌اندیش کشور را بر آن داشت که مجدداً دست دوستی به سوی دولت فرانسه دراز کنند و تصور آنان این بود که دولت فرانسه هنوز از قدرت افسانه‌ای دوران امپراطوری ناپلئون بناپارت برخوردار است، اما فرانسه به دنبال مقابله با نفوذ روسیه، ایجاد رابطه بازرگانی با ایران و بسط نفوذ فرهنگی خود بود؛ بنابراین در سال ۱۲۵۴ ق. هیئت مهمی را به ریاست کنت دوسرسی<sup>۲</sup> شامل عده‌ای کارشناس، مهندس و معلم توپخانه به کشور ما اعزام کرد، هرچند اهداف اصلی ایران از انعقاد این معاهده سیاسی و نظامی تحقق نیافت.<sup>۳</sup>

## ۲. علل عمده روابط ایران و فرانسه

اوضاع و احوال اروپا و سیاست‌ها و روابط بین دولت‌های بزرگ، چنان بود که سرنوشت ایران خواسته یا ناخواسته تحت‌الشعاع سیاست دولت‌های بزرگ و روابط بین آنها قرار گرفت. روابط روسیه و انگلستان در ایران سده‌های اخیر، روابط کشور ما با دولت‌های دیگر از جمله فرانسه را تحت تأثیر قرار داده و با وجود اهمیت این روابط، مورخان کمتر بدان پرداخته‌اند. چون ایران قدرت آن را نداشت که بر همسایه شمالی خود غالب شود، برای گرفتن کمک مالی و نظامی به کشورهای ثالث متوسل شد.<sup>۴</sup>

### ۱-۲. تأثیر روابط ایران با کشورهای انگلستان و روسیه بر رابطه با کشور فرانسه

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، به دنبال ناتوانی فتحعلی شاه در جنگ با روسیه و ناامیدی ایران از انگلستان در خصوص اجرای تعهداتش در جنگ ایران و روسیه، رابطه‌ای بین ایران و فرانسه ایجاد گردید و با محاصره یک ساله هرات توسط محمدشاه قاجار و همچنین عدم کمک روسیه و ناتوانی مقاومت در برابر انگلیسی‌ها، ایران دوباره به فرانسویان متمایل گشت.<sup>۵</sup> هرچند همچون گذشته نتیجه‌ای برای ایران نداشت. پس از کشته شدن شاه شجاع درانی<sup>۶</sup> متحد انگلیسی‌ها، در سال ۱۲۵۸ هـ نفوذ انگلیسی‌ها در افغانستان با مخالفت‌هایی روبرو شد. این مسئله باعث افزایش نفوذ ایران در افغانستان شد و انگلستان که سرگرم مسائل داخلی هند و تصرف کامل آن کشور بود، اقدام خاصی انجام نداد و هرات و قندهار، حاکمیت ایران

۱. اشراقی، کنت دوسرسی یک سفارت فوق العاده ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰.

2 -Cont de Sercey

۳. سعیدی، اوژن فلاندن و ایران.

<http://www.ichodoc.ir/flandin/paper/flandiniran.htm>

۴. جعفریان، معاهده پاریس، جدایی کامل افغانستان از ایران.

<http://www.irdc.ir/fa/content/6620/default.aspx>

۵. همان.

۶. پسر تیمور شاه از سلسله درانی افغانستان.

را پذیرفتند.

علاوه بر مسئله هرات، فراز و نشیب روابط سیاسی ایران با انگلستان، بر روابط ایران با فرانسه اثرگذار بود، «در اوایل دهه ۱۲۷۰ ق. اعطای تحت‌الحمایگی از طرف دولت بریتانیا به رجال ایرانی، حمایت از شاهزادگان فراری و دخالت‌های مکرر سفرای بریتانیا در امور داخلی ایران، ناصرالدین شاه را بیش از پیش به آن دولت بدگمان ساخت.»<sup>۱</sup>

در نهایت ماجرای دلدادگی وزیر مختار وقت انگلستان در تهران به پروین خانم (خواهر گلین خانم، اولین همسر عقدی شاه) و پناهندگی و اقامت او و میرزاهاشم نوری (باجناق ناصرالدین شاه) به سفارت بریتانیا و قضایای مربوط به آنها در سال ۱۲۷۲ ق، منجر به قطع روابط دو کشور شد. خان ملک ساسانی می‌گوید: «اما این قطع رابطه مربوط به زن میرزاهاشم خان نبود، بلکه تمام این بهانه‌جویی‌ها، با مواضع میرزا آقاخان در این تاریخ مربوط به هرات و افغانستان بود، که ناصرالدین شاه را عصبانی کرد.»<sup>۲</sup>

اما سرانجام با میانجی‌گری ناپلئون سوم، این اختلافات به‌ویژه در خصوص مسئله تخلیه هرات، منجر به معاهده پاریس در سال ۱۲۷۳ ق. (۱۸۵۷ م.) بین سفیر ایران در پاریس و سفیر انگلیس در فرانسه در پانزده فصل گردید.<sup>۳</sup>

## ۲-۲. پزشکان فرانسوی در دربار قاجار

حضور پزشکان فرانسوی در دربار ایران، علاوه بر مسائل سیاسی، نظامی (فنون و استحکامات جنگی) و میانجی‌گری که قبلاً به آن اشاره شد، در شکل‌گیری روابط با آن کشور مؤثر بوده است. طبق اسناد وزارت امور خارجه فرانسه، به احتمال قوی نخستین پزشک فرانسوی در خدمت دربار ایران شخصی به نام دکتر لبا<sup>۴</sup> در سال ۱۸۴۲ م. (۱۲۵۸ ق.) به ایران آمد و حدود دو سال در خدمت محمد شاه قاجار بود و پس از او پزشک دیگری به نام کلوکه<sup>۵</sup> معرفی گردید که علاوه بر مقام حکیم باشی، مجالس درس جراحی نیز داشته و با خواهر نریمان خان (قوام السلطنه بعد) و جهانگیر خان (وزیر صنایع و قورخانه اواخر دوره ی ناصری) ازدواج کرد. ظاهراً در همین زمان پزشک دیگری به نام دوکلو<sup>۶</sup> به خدمت دربار ایران آمد که توسط امیر کبیر از کار بر کنار و به کشورش بازگشت. در سال ۱۸۵۷ م. (۱۲۷۳ ق.) دکتر تولوزان<sup>۷</sup> به عنوان حکیم باشی ناصرالدین شاه به ایران آمد که به تدریس در دارالفنون نیز پرداخت و مدت چهل سال در ایران بود. همچنین

۱. تیموری، عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران.

۲. شهبازی، پروین خانم خواهر زن ناصرالدین شاه

[http://www.darioush-shahbazi.com/index.php?option=com\\_content&task=view&id=152&Itemid=12](http://www.darioush-shahbazi.com/index.php?option=com_content&task=view&id=152&Itemid=12)

۳. منبع ۱۸.

4. Laba

5. Cloquet

6. Duclos

7. Tholozan

از سایر پزشکان فرانسوی معروف در ایران می‌توان به دکتر سورل<sup>۱</sup>، پزشک خصوصی شاهزاده ظل السلطان، و دکتر بونگراند<sup>۲</sup>، پزشک مخصوص شاهزاده نایب السلطنه، نام برد.<sup>۳</sup>

### ۲-۳. مادام حاجی عباس ندیمه فرانسوی محمدمشاه قاجار (۱۲۹۵-۱۲۰۵ ق):

حاجی عباس شیرازی، نقاش عباس میرزا ولیعهد فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۳۵ ق. با هزینه دولت به پاریس اعزام شد تا در رشته گل‌سازی و ساختن گل مصنوعی تحصیل کند، اما وی پیشرفت قابل توجهی در این زمینه نداشت و در بازگشت به ایران با کسب اجازه، خانمی را با خود همراه کرد که همسر وی شد و به سرعت زبان فارسی را آموخت و پله‌های ترقی و شهرت را خیلی سریع پیمود. او مشاغلی از قبیل آرایشگری اهل حرم، مترجمی، مشاوره خانوادگی و تعلیم فرزندان محمد شاه را عهده دار شد و چون فرزندی نداشت، مهرورزی او مقبول‌تر بود<sup>۴</sup> و بانوی پیانیست به مادام حاجی عباس معروف شد.<sup>۵</sup> حتی محمدمشاه قاجار در سال ۱۲۶۱ ق. به او مأموریت داد تا همسری مناسب برای ناصرالدین میرزا بیابد، که از میان افراد منتخب، دختر شاهزاده احمدعلی میرزا (نوزدهمین پسر فتحعلی شاه) به عقد ولیعهد درآمد.<sup>۶</sup> پس از مرگ محمد شاه نیز در سال ۱۲۶۴ ق. مهد علیا همسر شاه متوفی و مادر ناصرالدین شاه در تهران به دستگیری و راهنمایی وی تا زمان رسیدن شاه جوان از تبریز، زمام امور حکومت را به دست گرفت و همان‌طور که مادام حاجی عباس قبلاً به او آموخته بود، با عزم و اراده محکم به نام مادر پادشاه تا رسیدن پسرش، مقام صدارت را به عهده داشت و با وزرای مختار روس و انگلیس به گفتگو می‌پرداخت.<sup>۷</sup> ضمناً او تا روزهای پایانی عمر، عنوان «مترجم اندرون» را داشت و به سال ۱۲۹۵ ق. در ۹۰ سالگی فوت کرد.

### ۲-۴. اعزام محصلان ایرانی به فرانسه و حضور اساتید و کارخانه‌های فرانسوی در ایران

اعزام دانشجویان ایرانی به فرانسه را می‌توان یکی از علل توجه ایرانیان به فرانسه دانست، اعزام دانشجویان و محصلان ایرانی به فرانسه به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی اروپا در زمان محمد شاه قاجار بار دیگر مطرح شد. علاوه بر آن شاید حضور مادام حاجی عباس در حرم پادشاهی را یکی از علل توجه بیشتر دربار به این کشور دانست و بعدها به حضور اساتید فرانسوی در مدرسه دارالفنون می‌توان اشاره کرد.<sup>۸</sup>

1 -Sorel

2 -Bongrand

۳. آیتی، «پرونده محرمانه بیماری های مظفرالدین شاه».

۴. شهبازی، «زنان نامدار تهران قدیم یا دارالخلافة»، مادام حاجی عباس.

[http://www.darioush-shahbazi.com/index.php?option=com\\_content&task=view&id=123&Itemid=12](http://www.darioush-shahbazi.com/index.php?option=com_content&task=view&id=123&Itemid=12)

۵. بیانی، پنجاه سال تاریخ ناصری، ج ۲، ص ۱۷۳.

۶. حبیبی، «مادام حاجی عباس گل‌ساز، مشاور مهدعلیا».

[http://iichs.org/index.asp?id=869&doc\\_cat=9](http://iichs.org/index.asp?id=869&doc_cat=9)

۷. حامدی، «تار و پود(۲)».

۸. نگاهی به پیشینه روابط فرهنگی ایران و فرانسه.

<http://paris.icro.ir/index.aspx?siteid=188&pageid=5534>

در سال ۱۲۷۳ ق. نیز شماری از افسران فرانسوی برای تعلیمات نظامی در رشته توپخانه و مهندسی به استخدام دارالفنون در آمدند. هفت سال پس از تأسیس «دارالفنون»، دولت ایران ۴۲ تن از فارغ التحصیلان این مرکز را برای گذراندن تحصیلات تکمیلی به فرانسه اعزام کرد.

همچنین در دوره قاجار بهره‌مندی از برخی ابزارهای ماشینی تولید مورد توجه گرفت؛ به عنوان مثال، موضوع استفاده از تکنیک غربی برای ابریشم‌کشی با توجه به اهمیت اقتصادی ابریشم و ورود کارخانه (چرخ ابریشم‌کشی) فرانسوی انجام شده است.<sup>۱</sup>

### ۳. ناصرالدین شاه قاجار و فرانسه

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۲۴۷ ق.) چهارمین شاه سلسله قاجار و دارای طولانی‌ترین مدت پادشاهی (پنجاه سال) در میان پادشاهان این سلسله می‌باشد که به شنیدن مطالب و مقالات روزنامه‌های فرانسوی، علاقه زیادی داشت و همه روزه برایش روزنامه و ... می‌خواندند. حتی در کتابخانه ملی و آرشیو اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، در حاشیه کتاب‌ها، نامه‌ها، نقاشی‌ها، یادداشت‌ها کلماتی به زبان فرانسه با دستخط ایشان وجود دارد.

اعتمادالسلطنه در یادداشت‌هایش درباره فرانسه‌دانی ناصرالدین شاه می‌نویسد: «میل مبارک در عالم به سه چیز است: شکار، روزنامه و کتب فرانسه و سنگ معدن. از آنجا که در پیشگاه ضمیر منیر مقدس محقق است که علم و دانستن زبان فرانسه از برای معاشرت و رابطه با دول و تحصیل علوم جدیده نهایت مفید می‌باشد، بنابر مراحم و الطاف ملوکانه قصد فرمودند که تحصیل این زبان را در میان رعایای خود منتشر و معمول نمایند و خود به نفس نفیس همایون بذل مجاهدت فرموده، مجموعه ای از لغات معموله کثیرالاستعمال را جمع و معانی آنها را به زبان فارسی نگاشته به عبارة اخری کتاب لغتی جامع از فرانسه به فارسی تألیف و تصنیف فرمودند. این مجموعه لغت فرانسه و فارسی که عمده و اولینشان و اعتبار آن این است که از مصنفات ذات ملکوتی صفات همایون است.»

تدوین جلد اول کتاب لغت نامه فرانسه به فارسی (حرف آ تا د) از نشانه‌های علاقه‌مندی او به زبان فرانسه است. هر چند ناصرالدین شاه علاوه بر زبان فرانسه به فراگرفتن زبان‌های انگلیسی، آلمانی و روسی هم تمایل نشان می‌داد و گاه به گاه به اقتضای سیاست روز عالم و احوال حکومت ایران، به آموختن یکی از آن زبان‌ها می‌پرداخت.<sup>۲</sup>

اما ناصرالدین شاه پس از امضای عهدنامه دوستی و بازرگانی با دولت فرانسه و دریافت نشان عالی

۱. باستانی پاریزی، *ازدهای هفت سر (راه ابریشم)*، ص ۳۸۵.

۲. بهزادی و سلطانعلی دستجردی، «حکایت زبان آموزی ناصرالدین شاه».

لژیون دنور<sup>۱</sup> از سوی ناپلئون سوم،<sup>۲</sup> برای تحکیم مناسبات دوستانه دو کشور فرخ خان غفاری کاشی را به عنوان سفیر کبیر فوق العاده مأمور پاریس نمود و در نامه دوستانه‌ای از ناپلئون سوم خواهش کرد میان ایران و انگلیس میانجی صلح شود.<sup>۳</sup> پس از عقد قرارداد صلح بین ایران و انگلیس در پاریس، ناپلئون سوم در نامه‌ای سراسر مهر و محبت، دوستانه و مشفقانه توأم با نصایح و راهنمایی‌های لازم برای شاه ایران نوشت و در نامه‌ها شاه را «برادر و دوست» خطاب و عنوان شاه را به قیصر ترجمه می‌کند که شاه بسیار خرسند می‌شود.<sup>۴</sup> همچنین ناپلئون سوم برای ابراز روابط دوستانه دستور می‌دهد یکی از کوچه‌های پاریس به نام «تهران» نامیده شود.<sup>۵</sup> همچنین مرحوم خانباا بیانی به تبادل ۲۲ نامه بین ناصرالدین شاه و دولت فرانسه اشاره می‌کند که برخی از آنها شامل نامه‌های محرمانه ناصرالدین شاه به ناپلئون سوم است «که در آنها فرخ خان امین الملک (سفیر ایران) مأموریت دارد در خصوص پاره‌ای از مطالب که کشف آن را جز به شخص محترم و وجود معظم آن برادر مکرم جایز نمی‌دانستم، به او القا نمایم که بلا واسطه در پیشگاه آن اعلی حضرت بیان کنند.»<sup>۶</sup> پرتره زیر از ناپلئون سوم منسوب به ناصرالدین شاه است که می‌تواند نشانی از علاقه‌مندی و دلبستگی ناصرالدین شاه به وی باشد.

قابل توجه است سفیر وقت فرانسه دوبالوا<sup>۷</sup> در تهران پس از کشته شدن ناصرالدین شاه، چنان متأثر می‌شود که با گریه می‌گوید: من و میهنم فرانسه، یک دوست خوب را از دست دادیم.<sup>۸</sup>

#### ۴. حسنعلی خان گروسی (۱۳۱۷-۱۳۳۷ ق)

حسنعلی خان گروسی، نویسنده این گزارش فرزند محمد صادق خان، متولد بیجار گروس در سال ۱۳۳۷ ق. است<sup>۹</sup> که خاندانش از دوران صفوی مصدر خدمات دولتی بودند. او نویسنده‌ای چیره‌دست و صاحب سبک است که شیوه نگارشی ابتکاری و منحصر به فرد داشت. او (آجودان مخصوص شاه) به عنوان ایلچی

۱. légion d'honneur - نشان افتخاری در فرانسه که ناپلئون بناپارت در سال ۱۸۰۲ میلادی تعیین کرد و امروزه نیز اعطا میگردد.

۲. شارل لوئی ناپلئون بناپارت، برادر زاده ناپلئون بناپارت از سال ۱۸۴۹ تا ۱۸۵۲ میلادی، رئیس جمهور فرانسه بود و از سال ۱۸۵۲ تا ۱۸۷۰ تحت عنوان «ناپلئون سوم» امپراتور این کشور شد.

۳. ولایتی، تاریخ روابط خارجی ایران در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه.

۴. بیانی، پنجاه سال تاریخ ناصری، ج ۲، ص ۳۰۵.

۵. همان، ج ۱، ص ۲۰۷.

۶. همان، ج ۲، ص ۴۸۹-۴۹۲.

7 - De Balloy

۸. غفاری، تاریخ روابط ایران و فرانسه؛ از ترور ناصرالدین شاه تا جنگ جهانی اول (۱۳۱۳ تا ۱۳۳۳ ق)، ص ۲.

۹. افشار، گزارش‌ها و نامه‌های دیوانی و نظامی امیر نظام گروسی، ص ۱۱. اما افشار، رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری، ص ۶۸ سال تولد او را ۱۲۳۶ ق. ذکر کرده است.



و وزیر مختار در سال ۱۲۷۵ ق.، مأمور دربار فرانسه و انگلستان شد<sup>۱</sup> و در تمام دربارهای اروپا (فرانسه، انگلیس، اتریش و بلژیک) به سمت وزیر مختاری شناخته می‌شد.<sup>۲</sup> او سرپرستی دانشجویان اعزامی به فرنگ را برعهده داشت<sup>۳</sup> و در سال ۱۳۰۲ ق. به امیر نظام ملقب گشت.

«وی در ایام توقف در پاریس علاوه بر ادای تکالیف رسمیه خودش که همیشه در ازدیاد مراوده دولت متبوعه خود با دولت فرانسه تلاش می‌کرد، اطلاعات با فایده به دولت متبوعه خود می‌داد و غالب اوقات خود را به دیدن کارخانجات، مدارس، مریض‌خانه‌ها، سربازخانه‌ها و ... صرف می‌کرد و همه آنها را با امعان نظر مشاهده و ملاحظه می‌نمود و در جزئیات هر چیزی تحقیقات کلی به عمل می‌آورد.»<sup>۴</sup>

ناپلئون سوم به قلم ناصرالدین شاه<sup>۵</sup>

در سال ۱۲۸۲ ق. برای تقدیم گزارش به ایران آمد. در ذیحجه سال ۱۲۸۳ ق. حسنعلی خان گروسی وزیر مختار ایران در پاریس و کاردار سفارت به تهران فراخوانده شدند.<sup>۶</sup> (یعنی پنج ماه بعد از نوشته شدن این گزارش) «وی مورد توجه ناپلئون سوم بود، چنانچه با ایشان پیمان نموده بود که در ایران واسطه شوند تا وزیر امور خارجه گردد و پس از ورود به ایران به جای اینکه وزیر خارجه شود، متصدی البسه سربازان گشت.»<sup>۷</sup> ولی مجدداً پس از یک سال توقف در ایران برای تصدی همان مقام پیشین به پاریس اعزام شد و در همان سال به علت بیماری تقاضای بازگشت به ایران را کرد.

شاید محول کردن مأموریت مشورت در خصوص سفر فرنگ با ناپلئون سوم، به حسنعلی خان گروسی نشان از اعتماد ناصرالدین شاه به دقت در گزارشات، درایت، دیپلماسی و کاردانی حسنعلی خان گروسی در مقابل تعلل، مسامحه کاری و وقت‌گذرانی وزیر امور خارجه وقت، میرزا سعید خان می‌باشد. نشریه/نجمن تاریخ اشاره می‌کند پس از مرگ میرزا سعید خان، بیش از هفتصد پاکت ناگشوده و گزارش وانشده مربوط به وزارت امور خارجه را زیر تشکچه او یافتند.<sup>۸</sup>

این گزارش با رسم‌الخط شکسته نستعلیق به دست‌خط حسنعلی خان گروسی و نقش مهر وی با متن «حسنعلی ۱۲۷۳» در پشت سند است؛ در ضمن وی از همراهان شاه در سفر نخست به فرنگ بوده است.

۱. ولایتی، تاریخ روابط خارجی ایران در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه.

۲. افشار، رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری.

۳. افشار، گزارش‌ها و نامه‌های دیوانی و نظامی امیر نظام گروسی، ص ۹.

۴. نفیسی، «حسنعلی خان امیر نظام».

۵. بیانی، پنجاه سال تاریخ ناصری، ج ۲، ص ۳۸۲.

۶. ولایتی، تاریخ روابط خارجی ایران در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه.

۷. افشار، رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری.

۸. ولایتی، تاریخ روابط خارجی ایران در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، ص ۲۰۰.

## ۵. اهمیت و مقدمات سفر ناصرالدین شاه به فرنگ

### ۵-۱. مفهوم فرنگ:

با توجه به موضوع اصلی این تحقیق، اشاره ای گذرا به مفهوم فرنگ و فرنگی لازم و ضروری است تا دلایل موافقت و مخالفتها با سفر فرنگ ناصرالدین شاه بیشتر آشکار شود:

لفظ فرنگ (مفرس فرانک) در زبان فارسی، به تمام کشورهای مغرب زمین اطلاق می‌شود<sup>۱</sup> و دیدگاه ایرانیان نسبت به مفهوم فرنگ و فرنگی نه یکباره، بلکه در طول قرن‌ها شکل گرفته است، هر چند در ادبیات فارسی به ندرت پیش می‌آید که از این واژه صریح و مستقیم استفاده شود و مصادیق آن نیز مبهم و عاری از دقت هستند.<sup>۲</sup> مسلمانان از همان آغاز همه دشمنان و مخالفان - به جز روم (بعدها فرنگ) را از میان برداشته‌اند، کفار و فرنگی را همسان می‌دانستند و آنها را مردمی در جنگ با مسلمین به شمار می‌آوردند. شاید جنگ‌های صلیبی (۶۹۰-۴۸۹) ق که نبردهای زیادی میان مسلمانان و مسیحیان رخ داده است، یکی از دلایل رشد این طرز تفکر باشد.

در خصوص این مفهوم می‌توان به نمونه‌هایی در دیوان اشعار امیر معزی (متوفی ۵۲۰ ق)، سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر (متوفی ۴۴۰ ق)، بوستان و گلستان سعدی اشاره کرد.<sup>۳</sup> موضوع اصلی در آنها فرنگ و فرنگیان نیستند، اما از این مفهوم استفاده می‌شود تا تصویری منفی از شخصیتی که قصد دارند موجودی شریرش معرفی کنند، بیافرینند.<sup>۴</sup>

«از دیگر سو در عهد ناصری، دیگر خبری از جنگ‌های ایران و روسیه نیست، و ایرانیان رویارویی عمیق و چهره به چهره با غربیان ندارند. برخی مرغوب و مرعوب آن هستند، برخی برتری فرنگی را از باب تقدیر می‌دانند و نه تدبیر، و برای بسیاری فرنگ تنها نامی است که نشان دهنده کمال ناآشنایی و بی‌توجهی به فرنگستان است، برخی دیگر آن را حیرت آور و غریب می‌دانند و از اخلاق فرنگ جایز بودن مرآوده نسوان با بیگانگان اشاره می‌کنند.»<sup>۵</sup>

خانم هما ناطق می‌نویسد: «فرنگ در ذهن مردم شرق تصویری است خیال‌انگیز و افسانه‌ای. سرمشقی است اجتناب‌ناپذیر. نام او ورد زبان است و گفتار و کردارش سرمشق تقلید. قضاوت و داوری اوست که تعیین کننده و معیار همه ارزش‌ها است. پیرامون او راه‌آله‌ای از احترام فرا گرفته و آوازه شهرت و معلوماتش همه جا پیچیده است. مردم عادی نیز چهره‌ای از فرنگی ساخته‌اند که با فرنگی روشنفکران و رجال متفاوت است و چون به دوا و طبیب نیاز داشتند تا مدت‌ها هر اروپایی که به ایران می‌آمد به عنوان طبیب تلقی می‌شد. همچنین حکام فرنگ هم از جایگاه بالایی برخوردار بودند تصویر ناپلئون در همه جا به فروش

۱. یاقمورلی، اسناد معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول، ج ۱۰، ص ۱۷.

۲. «قانون پرور»، فرنگ در آینه ایرانی، ص ۶۸-۷۱.

۳. روح بخشان، فرنگ و فرنگی در ایران.

۴. «قانون پرور»، فرنگ در آینه ایرانی.

۵. رجب زاده، وصف میرا حسین خان سپهسالار مشیرالدوله در دو سفرنامه ژاپنی، ص ۲۱.

می‌رسید که با بالاپوش جواهر نشان بر تخت فتحعلی شاهی نشسته، پشت سرش دورنمایی از پاریس به چشم می‌خورد که در حقیقت اصفهان را می‌ماند. همچنین شرح زندگانی او به فارسی همواره بالای سر محمد شاه جای داشت و هر شب به آن مراجعه می‌کرد. در اذهان عمومی ناپلئون بیشتر یادآور شاه عباس بود که همه اصلاحات و کاروانسراها را به او نسبت می‌دادند. میرزا حسین خان، نایب اول سفارت ایران در عثمانی می‌گوید انتقاد اساسی به دولت ایران این است که گمان می‌کنند با فرستادن آدم به فرنگ و آوردن آدم از فرنگ می‌توان، همه مسایل مملکت را حل کرد و تعجب می‌کند از اینکه فرنگی‌مآبی در ایران با نوعی ظاهر سازی و نا آگاهی توأم شده است. هر که پایش به فرنگ می‌رسد یا هر که از فرنگ می‌آید، حرمتش لازم و طاعتش واجب [است].<sup>۱</sup>

رضا قلی خان هدایت می‌نویسد: «ایرانیان فرنگی را فرنگی خواندند تا رفته رفته کل قرالات را از روس و انگلیس و غیره هنوز عوام ایران فرنگی خوانند.»<sup>۲</sup>

همان‌طور که مشاهده می‌شود، مفهوم فرنگ بسیار گسترده و متفاوت است و حتی زمانی که ناصرالدین شاه برای نخستین بار راهی سفر فرنگ شد، مهدعلیا در مکتوبی ضمن آرزوی سفری خوش، نگرانی خود را از پیوستن فرزندش به فراماسونری یا همان فراموشخانه که به تازگی در ایران شهرت یافته بود، ابراز کرده، می‌نویسد: «این روزها دیگر رسیدن انزلی و نشستن دریا نزدیک است. همه را به گرفتن ختم و دعا مشغولم. ان‌شاءالله به شما خوش خواهد گذشت از تماشای و سیاحت‌ها، ولی ان‌شاءالله به فراموشخانه تشریف نخواهید برد. اگر بیری شیر هشت ماه داده را حلال نخواهم کرد. ان‌شاءالله فراموش نخواهید کرد.»<sup>۳</sup>

شاید همین برداشتهای گوناگون از فرنگ و فرنگی است که سفر فرنگ ناصرالدین شاه را با موافقان و مخالفان بسیاری روبرو می‌سازد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

## ۲-۵. راه‌های شناخت ایرانیان از سایر کشورها

الف - نمایندگان و سفیران کشورها در ایران: مهم‌ترین شیوه شناخت و کسب اطلاعات حکومت از سایر کشورها بود، ولی تأخیر در به دست آوردن اخبار (بعد از وقوع حوادث)، اغراض و مقاصد سیاسی آنها از مشکلات این روش محسوب می‌گردید. مثلاً فرانسویان، برای نشان دادن قدرت ناپلئون و لزوم دوستی با او، به اندازه‌ای اغراق کرده و در فتحعلی شاه تأثیرگذار بودند که وی به یکی از نمایندگان بناپارت گفت: «برای چه ناپلئون یکی از برادران خود را به تخت امپراطوری روسیه نمی‌نشانند؟ آن وقت ما دوست و با یکدیگر همسایه خواهیم شد یا اینکه شاید خیال دارد که آن را میان ایران و عثمانی قسمت کرده، بدین ترتیب دست ظلم آنان را از دنیا کوتاه کند.»

ب - تألیف سفرنامه توسط ایرانیانی که به سایر کشورها سفر کرده بودند از روش‌های دیگر جمع‌آوری

۱. ناطق، از ماست که بر ماست، مصیبت و با و بلائی حکومت، ص ۴۴۰ و ۴۴۷.

۲. رائین، ملک شاه نظر زاده میر داود زاوریان، نخستین فرستاده ناپلئون به ایران، ص ۲۴.

۳. معزی، «ملک جهان خانم مهدعلیا».

اطلاعات و شناخت کشورها بود. مطالعه این سفرنامه‌ها (مثلاً کتاب حیرت‌نامه، شرح سفر به لندن میرزا ابوالحسن ایلیچی به سال ۱۸۰۹م/۱۲۲۴ ق. و سفرنامه میرزا صالح شیرازی) نشان می‌دهد که نویسندگان آنها (و شاید بیشتر ایرانیان) تا چه اندازه از اوضاع اروپا بی‌خبر بوده و درک نادرستی از آن کشورها داشته‌اند<sup>۱</sup> هر چند دقیقاً معلوم نیست مخاطبین این سفرنامه‌ها چقدر گسترده و فراگیر بوده است؟

ج - اعزام نمایندگان سیاسی به سایر کشورها:<sup>۲</sup>  
بازرگانی و نیازهای نظامی: شاید عباس میرزا و قائم مقام در دوره قاجار زودتر از دیگران به نقاط ضعف ایران و پیشرفت غرب به خصوص در زمینه صنایع نظامی و لشکر آرابی پی‌بردند و به همین منظور ترجمه متون فرانسوی و روسی مربوط به استحکامات نظامی و فنون جنگی را مورد تشویق و حمایت قرار دادند که موجب شناخت بیشتر و دقیق‌تری از کشورها شد.<sup>۳</sup>

### ۳-۵. جرقه‌ها و مقدمات سفر ناصرالدین شاه به فرنگ

شاه قبل از مرگ قاسم خان (ولیعهد) در سال ۱۲۷۴ ق. گفته بود همین که چند سال دیگر ولیعهد به سن بلوغ و رشد رسید، ان‌شاءالله به فرنگستان سفر خواهیم کرد.<sup>۴</sup> همچنین علاقه زیاد به سفر، گشت و گذار و شناخت فرنگ، از دیگر مشوق‌های سفر شاه قاجار به این سفر بود. «راه سفر یک پادشاه مسلمان به اروپای مسیحی با مسافرت سلطان عبدالعزیز عثمانی در سال ۱۲۸۴ ق. (۱۸۶۷ م.) باز شده بود.»<sup>۵</sup>  
از طرفی بسیاری از ایرانیانی که خواهان پیشرفت کشور بودند، درصدد برآمدند تا شاه را به ترقی و پیشرفت علاقه‌مند سازند، یکی از راه‌ها را سفر شاه به کشورهای اروپایی می‌دانستند. «مشیرالدوله می‌گوید این عزم ملوکانه محض سیاحت نیست؛ در حقیقت تمام دولت ایران، به جهت نجات این ملک به تفحص اوضاع دنیا می‌رود. هرگاه مقصودات عالی‌به‌درست به عمل آید، نتایج آن بلاشک معظم‌تر از آن فواید خواهد بود که نادر به واسطه فتوحات خود در هند تحصیل نمود.»<sup>۶</sup> در آن وقت فقط یک اشکال اساسی به نظر می‌رسید و آن مخارج گزافی بود که انجام آن سفر لازم داشت.<sup>۷</sup> سپهسالار در سال ۱۲۸۸ ق. به ناصرالدین شاه می‌نویسد، «سیصد هزار تومان به جهت مخارج فرنگستان کافی است. پنجاه هزار تومان باید در نزد رئیس کل گذارد به جهت امورات اتفاقی فوری. ان‌شاءالله تنخواه وصول می‌شود و اختیار خرج در دست مبارک خودتان است.»<sup>۸</sup> در این میان اروپاییان نیز درصدد بودند تا شاه ایران از سرزمین و پیشرفت‌های آنان

۱. بوشاسب گوشه، «بررسی تاریخ روابط خارجی ایران با غرب در اوایل دوره قاجار»، ص ۱۷۵-۱۶۵.
۲. ولایتی، تاریخ روابط خارجی ایران در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، ص ۲۳.
۳. بوشاسب گوشه، «بررسی تاریخ روابط خارجی ایران با غرب در اوایل دوره قاجار».
۴. بیانی، پنجاه سال تاریخ ناصری، ج ۱، ص ۱۵۶.
۵. رایت، ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، ص ۲۳۸.
۶. بیانی، پنجاه سال تاریخ ناصری، ص ۴۴۲.
۷. تیموری، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، ص ۱۰۲.
۸. عباسی، حکومت سایه‌ها، اسناد محرمانه و سیاسی میرزا حسین خان سپهسالار، ص ۲۵.



دیدن به عمل آورد. «اروپا می‌خواست تمامی جمال و جلال خود را با بوق و کرنا به رخ پادشاه حیران ایران بکشد و در عوض ستایش بهت زده‌ی او را به چشم ببیند.»<sup>۱</sup>

سرانجام ناصرالدین شاه طی نامه‌ای، فراهم کردن مقدمات و زمینه‌های لازم سفر به عتبات را به مشیرالدوله محول می‌کند و می‌گوید: «بهتر آن دانستم که اول سفری که به خارجه می‌شود زیارت قبور ائمه باشد که ظاهراً باطناً در دنیا و آخرت برای من خوب باشد... و افتتاحی باشد برای سفر فرنگستان که نظرها کم کم پر شود. حال انجام این اراده بسته به فطانت و کیاست و زرنگی شماست.»<sup>۲</sup>

بسیاری معتقدند ایده اولیه سفر فرنگ و ترغیب کننده ناصرالدین شاه، میرزا حسین خان مشیرالدوله است، اما با توجه به مطالب اشاره شده و تاریخ این سند (۱۲۸۳ ق.) نشان می‌دهد تصمیم شاه در خصوص سفر فرنگ از سال‌های قبل گرفته شده بود، با این حال نقش میرزا حسین خان در سفر فرنگ ناصرالدین شاه غیر قابل تردید و انکار است.

#### ۵-۴. موانع و مخاطرات سفر فرنگ

«سر دنیسن رایت<sup>۳</sup> معتقد بود که قبل از آن پادشاه، هیچ یک از پادشاهان ایران قدم به خاک کشور مسیحی نگذاشته بودند؛ همچنین او معتقد بود این سفر به هیچ وجه آسان نبود و خروج پادشاه از کشور می‌توانست از نظر سیاسی مخاطراتی در بر داشته باشد، روحانیون و عناصر محافظه کار که مایل نبودند پادشاه به سفر فرنگ برود و زیر نفوذ غربی‌ها قرار بگیرد و با افکار آنها آشنا شود با این سفر مخالفت می‌کردند.»<sup>۴</sup>

بروز بیماری‌هایی نظیر طاعون، وبا ... و قحطی، خشکسالی و سیل و تکرار آن در سال‌های مختلف و شهرهای گوناگون و دروغ‌ها در تلگرافات رسمی کارگزاران دولت به شاه، اعلام می‌شد.<sup>۵</sup> در حالی که شاه توجه‌ای به آنها نداشت موجب نارضایتی مردم بود. «به گواهی امین‌الضرب، با ادامه وبا و قحطی سال ۱۲۸۸ ق. روزی دوپست الی چهارصد نفر در کوچه و بازار و محله‌ها می‌مردند و در همه ولایات ناخوشی مشهود و

۱. صبوری، «سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ (علل و پیامدها)».

<http://www.irdc.ir/fa/content/6769/print.aspx>

۲. تیموری، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، ص ۳۳.

3 - Sir Denis Wright

۴. بیانی، پنجاه سال تاریخ ناصری، ص ۴۴۱.

۵. ناطق، از ماست که بر ماست، مصیبت وبا و بلائی حکومت، ص ۲۹۸.

کسادى و بی‌رونقى و بی‌پولى، نفس مردم را قطع مى‌کرد.<sup>۱</sup> اما ناصرالدین شاه مجبور بود درباره مسافرت به فرنگ، احتیاط‌های لازم را رعایت کند تا بیشتر موجب نارضایتی مردم فراهم نگردد، زیرا وی اولین پادشاه ایران بود که فکر دیدن بلاد کفر را داشت؛ بنابراین مدتی پیش از سفر، علما مأمور شدند تا محاسن سفر شاه را به مردم گوشزد کنند.

از نمونه‌های دیگر وضع نامساعد کشور در آستانه سفر فرنگ، می‌توان به کشتن ده نفر از سربازانی که مواجیشان ماه‌ها به تأخیر افتاده بود و برای تقدیم عریضه به شاه در حرم شاه عبدالعظیم تحصن کرده بودند، اشاره کرد. آنها از طرف ملازمان شاه با ضرب و شتم رانده می‌شوند و از غایت خشم و استیصال، سنگ به سوی نوکرهای شاه پرتاب می‌کنند. در این حین یکی از سنگ‌ها به کالسکه شاه می‌خورد و اسب‌ها رم می‌کنند. به دستور شاه آنها را دستگیر کرده، همه را در حضور شاه با طناب خفه می‌کنند.<sup>۲</sup>

برنامه سفر شاه شش ماه پس از مبادله قرارداد رویتز آغاز شد.<sup>۳</sup> در مخالفت با امتیاز رویتز گفته شد که مشیرالدوله می‌خواهد وضع مملکت فرنگستان را در ایران جاری کند. مردم و علما از سرایت تمدن اروپایی به ایران و اقتباس قوانین آنها و چهره دیگر آن تمدن، یعنی استعمار کشور هراسان شدند.<sup>۴</sup> به نحوی که حتی در آستانه سفر دوم ناصرالدین شاه، عده‌ای حکم سفر وی به فرنگستان را از علما سؤال می‌نمایند.<sup>۵</sup> با وجود این، سرانجام شاه بر این حساسیت‌ها و مخالفت‌ها فایق آمد. سفر اول شاه به فرنگ بنا به دعوت فرانسوا ژرف<sup>۶</sup> اول امپراتور اتریش، به طور رسمی و به عنوان بازدید از نمایشگاه بین‌المللی وین صورت گرفت.<sup>۷</sup>

سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا یکی از مسایل مهم و مورد بحث تقریباً تمام مورخان، سیاحان، روزنامه‌ها و مجلات آن زمان است. «لرد کرزن<sup>۸</sup> از قول سر چارلز مک‌گریگور<sup>۹</sup> می‌نویسد من تصور نمی‌کنم پذیرایی‌های ما از پادشاه ایران به یک نتیجه برسد و باز از آنها فایده‌ای مترتب شود، زیرا ایرانی‌ها خوب می‌دانند که ما از روس‌ها در وحشت و اضطراب می‌باشیم و این را مثل یک مسئله سیاسی تصور می‌کنند. پذیرایی‌هایی که با آن شوق و ذوق در لندن از شاه ایران بعمل آمد تمام باعث شد که در نظر ایرانی‌ها به مقامات شاه افزوده شود اما در اوضاع و احوال سیاسی ما در ایران هیچ تغییر حاصل نگردید به عقیده من

۱. همان، ص ۲۸۱.

۲. بیانی، پنجاه سال تاریخ ناصری، ص ۴۴۲.

۳. ولایتی، تاریخ روابط خارجی ایران در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه.

۴. فراهانی منفرد، اصلاحات میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی و دو رویه تمدن بورژوازی غرب.

۵. رجبی، مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره قاجار، ۱۳۹۰

6 - Francous goseph

۷. صبوری، «سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ (علل و پیامدها)».

<http://www.irdc.ir/fa/content/۶۷۶۹/print.aspx>

8 - Lord George Nathaniel Curzon

9 - Sir Charles M. MacGregor

حقیقت مطلب در این است که ما در مقابل خطر روس، خیلی بی تاب می‌کنیم.»<sup>۱</sup> البته شاه با هر نیتی که قصد سفر داشت، این سفر سیاسی به سفری خانوادگی و تفریحی پشت هدف‌هایی برای پیشرفت و آبادی کشور تبدیل شد.

متن سند:

۲۹ شهر رجب س ۸۳

قربان خاک پای جواهر آسای مبارکت شوم

روزی که چاکر فدوی را از حضور مبارک مرخص فرمودند و مقرر شد که غلام جان نثار چند روز بعد از ورود پاریس مخصوصاً شرف حضور اعلی‌حضرت امپراطور را دریافته، میل و اراده اعلی‌حضرت شاهنشاهی را به عزیمت فرنگستان اظهار نمایم و رأی و اعتقاد امپراطور را نسبت به این عزیمت تحصیل کرده، گزارش را در طی عریضه مخصوصی بلاواسطه عرض مبارک برسانم، برحسب امر چند روز بعد از شرفیابی که اصل نامه همایون را ابلاغ و مأموریت مجدد خود را عرض کرده بودم در ثانی وقت مخصوصی برای شرفیابی خواسته و بنابر اعلامی که از دربار امپراطور رسیده بود، دوشنبه چهاردهم جمادی الاولی شرف حضور اعلی‌حضرت امپراطور را دریافته، میل خاطر مبارک اعلی‌حضرت شاهنشاهی را به عزیمت فرنگستان برای شرافت کارها و ترقیات دولت و ملت ایران به اعلی‌حضرت امپراطور عرض کردم و استدعا نمودم که رأی و خیال و اعتقاد خود را در این باب اظهار فرمایند. اعلی‌حضرت امپراطور از چاکر فدوی سؤال فرمود که آیا اطمینان آن را دارید که اگر اعلی‌حضرت شاهنشاهی پای تخت خود را خالی گذاشته به فرنگستان بیاید و یک سال بیشتر یا کمتر سفرش طول بکشد اختلال و اغتشاش در داخل مملکت شما روی ندهد یا نه و نیز سؤال فرمودند که آیا کسی هست که در مدت غیبت اعلی‌حضرت شاهنشاهی امورات دولتی را اداره تواند کرد یا خیر؟ چاکر فدوی عرض کرده که هیچ به نظر نمی‌آید که در داخله مملکت ما کسی باشد که داعیه خودسری و یا قدرت و جسارت و استعداد آن را داشته باشد که منشأ اختلال و اغتشاش باعث شورش و انقلابی شود و اگر احیاناً در حدود بعضی از ممالک به واسطه همسایه‌های بی تربیت از قبیل ترکمنان و غیر حرکتی ظاهر شود اولیای دولت و حکام ممالک می‌توانند که با استعدادی که همیشه در سرحد ممالک خودمان حاضر داریم به دفع و رفع و تنبیه آنها بپردازند و حدود ممالک را منظم نگاه دارند در باب اداره امور دولتی نیز وقتی که اعلی‌حضرت شاهنشاهی عزیمت فرنگستان فرمودند، نیابت سلطنت را به ولیعهد خود تفویض و وزرا و وکلا را به خدمات مخصوصه خود مأمور خواهند فرمود و به هر یک از آنها دستورالعمل‌های مشروح و مفصل خواهند داد که در ایام غیبت اعلی‌حضرت شاهنشاهی امورات دولتی را به حکم و اختیار و امضای نواب ولیعهد جاری نمایند و بالضروره همه وزرا و وکلا و حکام ممالک ایران ساعی و جاهد خواهند بود که در مدت غیبت و ایام مسافرت اعلی‌حضرت شاهنشاهی کارها و خدمات دولتی را خوبتر و بهتر

۱. تیموری، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، ص ۱۱.

انجام دهند که برای هریک از آنها وسیله تقریبی خواهد بود و سرهم رفته مطمئن و معتقد هستیم که در ایام غیبت اعلی حضرت شاهنشاهی چه در نظم و امنیت ممالک و چه در اداره امور دولتی، جزئی بر خلاف مصلحت روی ندهد و از این طرف کمال امیدواری داریم که تشریف فرمایی اعلی حضرت شاهنشاهی به فرنگستان برای دولت و ملت تا باعث ترقیات عظیمه و موجب فواید کلیه خواهد بود اعلی حضرت امپراطور فرمودند در این صورت هیچ نوع تردیدی نباید داشت و من تصدیق می کنم و شهادت می دهم که آمدن پادشاه ایران به فرنگستان دولت و ملت ایران را نیکبخت خواهد کرد و تربیت عامه را بسط خواهد داد و برای شخص اعلی حضرت شاهنشاهی باعث اشتها و بزرگی خواهد شد. و شما می توانید ولی نعمت خود را اطمینان بدهید که همه بلاد و دول فرنگستان او را با کمال میل و احترام پذیرایی خواهند کرد. چاکر فدوی عرض کردم که در صورتی که اعلی حضرت شاهنشاهی برای عزیمت خود مانعی نبینند و تشریف فرمای فرنگستان شوند، اعلی حضرت شما چه طور مناسب می دانید که اعلی حضرت شاهنشاهی به صورت [رسمی] و هیئت سلطنت عزیمت بفرمایند و یا به صورت غیر رسمی و به اسم یکی از نجایای ایران مسافرت نمایند اعلی حضرت امپراطور فرمودند بهتر و مناسبتر است که به صورت غیر رسمی بیایند که خرج تکلیف کمتر و آسایش و منافعش بیشتر و اطلاع و استحضار و ملاحظاتهش در کارها کاملتر خواهد بود و با همین صفت و سمت می تواند که همه پادشاهان را دیدن نماید و از او بازدید بکنند و او را بهمه مجالس دعوت نمایند و برای او ضیافت های بزرگ بدهند و از شما خواهش می نمایم که مراتب میل و محبت مرا پادشاه خودتان عرض نمایید چاکر فدوی از نصایح بزرگانه اعلی حضرت امپراطور و اظهار دوستی و خیرخواهی نسبت با اعلی حضرت شاهنشاهی اظهار تشکر کردم و مرخص شدم و بر حسب امر همایون تفصیل مجلس را بلا واسطه بخاکپای مبارک عرض کردم و کمال امیدواری حاصل است که اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی روحنا فداه این قصد و نیت شاهانه را که باعث استقلال تامیه دولت و وسیله احیای ملت ایران می تواند شد در خاطر مبارک قوت دارد در فراهم آوردن ملزومات و اقدام بر این سفر خجسته اثر تعجیل فرمایند. امر الاشراف الارفع الاعلی مطاع







تقش مُهر حسنعلی گروسی با متن (حسنعلی ۱۲۷۳) بر پشت سند

#### منابع

- آیتی، عطا، «پرونده محرمانه بیماری‌های مظفرالدین شاه»، تاریخ معاصر، شماره ۳۴، ۱۳۸۴، ص ۲۳۰-۱۸۵.
- اشراقی، احسان الله، «کنت دوسرسی یک سفارت فوق العاده ایران در ۱۸۳۹-۱۸۴۰»، بررسی‌های تاریخی، ۶۴ سال یازدهم، ۱۳۵۵، ص ۲۰۰-۱۸۱.
- افشار، ایرج، رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری از نوشته‌های میرزا مهدی خان ممتحن الدوله شفاقی و میرزاهاشم خان، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۵.
- افشار، ایرج، گزارش‌ها و نامه‌های دیوانی و نظامی/امیر نظام گروسی، تهران، انتشارات بنیاد موقوفه دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، ازدهای هفت سر(راه ابریشم)، تهران، انتشارات علم، ۱۳۸۴.
- بوشاسب گوشه، فیض الله، «بررسی تاریخ روابط خارجی ایران با غرب در اوایل دوره قاجار»، مصباح، ۱۲، سال سوم، ۱۳۷۳، ص ۱۷۵-۱۶۵.
- بهزادی، محمدرضا و سلطانعلی دستجردی، حمیده، «حکایت زبان آموزی ناصرالدین شاه»، پایگاه اینترنتی روزنامه دنیای اقتصاد، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۲/۴/۲۶.
- بیانی، خانابا، پنجاه سال تاریخ ناصری، تهران، انتشارات علمی، ج ۲، ۱۳۷۵.
- بیانی، خانابا، تاریخ دیپلماسی ایران سیاست ناپلئون در ایران در زمان فتحعلیشاه، از اسناد بایگانی شده وزارت امور خارجه فرانسه، شرکت چاپ کتاب، ۱۳۱۸.
- — — — — نگاهی به پیشینه روابط فرهنگی ایران و فرانسه، پایگاه اینترنتی راینزی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - پاریس، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۲/۱/۱۰.
- — — — — «اولین سفر ناصرالدین شاه به فرنگ (۱۲۹۰ ه.ق)»، پایگاه جوان و تاریخ، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۲/۱/۱۰.

- نگاه‌ها به پیشینه روابط فرهنگی ایران و فرانسه پایگاه اینترنتی رابری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - پاریس، تاریخ دسترسی: ۹۲/۱/۱۰
- تیموری، ابراهیم، عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۳۲.
- جعفریان، محمود رضا، معاهده پاریس جدایی کامل افغانستان از ایران، پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۲/۱/۱۰.
- حامدی، محمدحسن، «تار و پود (۲)»، بخارا، ۸۳، سال چهاردهم، ۱۳۹۰، ص ۴۲۹-۴۲۷.
- حبیبی، میراندا، «مادام حاجی عباس گلساز، مشاور مهدعلیا»، پایگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۲/۱/۱۰.
- رایت، دنیس، ایرانیان در میان انگلیسی‌ها، ترجمه امامی، کریم، تهران، نشر نو، ۱۳۶۸.
- رائین، اسماعیل، ملک شاه نظر زاده میر داود زاوریان، نخستین فرستاده ناپلئون به ایران، تهران، توس، ۱۳۵۲.
- رجب زاده، هاشم، «وصف میرا حسین خان سپهسالار مشیرالدوله در دو سفرنامه ژاپنی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۳۳، ۱۳۸۸، ص ۲۱-۱۶.
- رجبی(دوانی)، محمدحسن، مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره قاجار، تهران، انتشارات نی، ۱۳۹۰.
- روح بخشان، عبدالمحمد، فرنگ و فرنگی در ایران، تهران، انتشارات کتاب روشن، ۱۳۸۸.
- سعیدی، علی اصغر، «اوژن فلاندن و ایران»، پایگاه اینترنتی مرکز اسناد و مدارک میراث فرهنگی، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۲/۱/۱۰.
- شهبازی، داریوش، «زن نامدار تهران قدیم یا دارالخلافه - مادام حاجی عباس»، پایگاه اینترنتی داریوش شهبازی، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۲/۱/۱۰.
- شهبازی، داریوش، «پروین خانم خواهر زن ناصرالدین شاه»، پایگاه اینترنتی داریوش شهبازی، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۲/۱/۱۰.
- صبوری، باقر، «سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ (علل و پیامدها)»، پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۲/۱/۱۰.
- عباسی، محمدرضا، حکومت سایه‌ها، اسناد محرمانه و سیاسی میرزا حسین خان سپهسالار، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲.
- علی بابایی، غلامرضا، «نگاهی به روابط سیاسی ایران و فرانسه»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، ۳۲، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷-۱۲۳.
- غفاری، ابوالحسن، تاریخ روابط ایران و فرانسه؛ از ترور ناصرالدین شاه تا جنگ جهانی اول (۱۳۱۳ تا ۱۳۳۳ ق)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۸.
- قانون پرور، محمدرضا، «فرنگ در آینه ایرانی»، ترجمه پناهنده، هومن، کیان، ۳۵، سال یازدهم، ۱۳۷۵.

ص ۶۸-۷۱

فراهانی منفرد، مهدی، «اصلاحات میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی و دو رویه تمدن بورژوازی غرب»، گنجینه اسناد، ۲۳ و ۲۴، ۱۳۷۵، ص ۷۸-۹۱  
 معزی، فاطمه، «ملک جهان خانم مهدعلیا»، پایگاه مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۲/۱/۱۰

ناطق، هما، از ماست که بر ماست، مصیبت و با و بلای حکومت، تهران، نگارستان کتاب، ۱۳۸۹.  
 نفیسی، سعید، «حسنعلی خان امیر نظام»، وحید، ۲، سال سوم، ۱۳۴۴، ص ۱۰۱-۱۱۱.  
 نوایی، عبدالحسین، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۷.  
 ولایتی، علی اکبر، تاریخ روابط خارجی ایران در دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲.  
 یاقمورلی، بشیر، اسناد معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول، ج ۱۰: شامل معاهدات ایران با فرانسه، فنلاند، فیلیپین و قطر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۸.